

بازتاب باورها و آداب و رسوم عامیانه مذهبی در داستان‌های کودک

*سجاد نجفی بهزادی

** مجتبی نوروزی

*** زهرا امینی مصطفی ابادی

چکیده

باورها و اعتقادات مذهبی بخش جدایی ناپذیر از زندگی کودکان و نوجوانان است. ارائه و انتقال درست و خلاقانه باورها به مخاطبان کودک، یکی از مهم‌ترین مسایل مطرح شده در میان مسئولان و منتقدان تعلیم و تربیت است. زبان قصه و داستان ابزار مناسبی برای پیوند کودکان با مباحث اعتقادی و مذهبی است. تولید آثار داستانی دینی- مذهبی با ساختار مناسب و خلاقانه تاثیر زیادی در نهادینه کردن باورهای دینی در کودکان دارند. هدف پژوهش حاضر بررسی بازتاب باورها و اعتقادات مذهبی در داستان‌های منتخب کودک و پاسخ به این پرسش‌هاست که داستان‌ها تا چه اندازه توانسته‌اند باورها و اعتقادات مذهبی را به کودکان انتقال دهند؟ و کدام باورها و اعتقادات بیشترین انعکاس و بازتاب را در داستان‌ها داشته‌اند؟ روش تحقیق، تحلیل محتوا و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات به صورت بررسی اسناد کتابخانه‌ای است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ارائه آداب دینی و باورهای مذهبی (نذری دادن، قربانی کردن، کبوترحرم، بسم الله الرحمن الرحیم گفتن در کارها، الحمدلله گفتن موقع غذاخوردن، انشالله گفتن و...) از سوی نویسندگان کودک در داستان‌های بررسی شده، متناسب با نیازهای کودکان است و نمود بسیاری داشته؛ اما همچنان تنوع باورها کم است.

واژگان کلیدی: باورها، آداب و رسوم مذهبی، داستان، کودک.

*استادیار ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه ادبیات فارسی،

ایران، شهرکرد najafi@sku.ac.ir

**استادیار ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه ادبیات

فارسی، ایران، شهرکرد m.norouzi88@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه شهرکرد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه

ادبیات فارسی، ایران، شهرکرد zahra5578amini@gmail.com

مقدمه

باورها، اعتقادات و آداب و رسوم، بازتاب اندیشه‌ها، فرهنگ، آمال و آرزوهای یک ملت است. آداب و رسوم و باورهای انسان در طول زمان، به شکل‌های مختلفی به تصویر کشیده شده است. «اغلب باورها ریشه در اساطیر و ضمیر ناخودآگاه جمعی دارند و بازتاب احساسات، عواطف، آمال و تجربیات یک ملت است. باورها و عادات زندگی دوامی سخت‌تر از دیگر عوامل بنیادی تمدن دارند» (بهار، ۱۳۸۶: ۳۷۳). این باورها در گذر روزگار با تمام فراز و نشیب‌ها همچنان پا برجا هستند. «اقوام ابتدایی غالباً مصرانه به حفظ آداب و رسوم مذهبی یا جادویی افسانه‌هایشان پایبند هستند و وقتی با صمیمیت آن را در اختیار دیگران می‌گذارند باز علل واقعی اعمال و افکارشان برای خودشان روشن نیست؛ زیرا در همه فرهنگ‌ها اساس و ریشه‌های ناخودآگاه وجود دارد که آزمایش‌های روانشناسی و روانکاوی می‌تواند تا حدودی آن‌ها را روشن کند» (کازنو، ۱۳۶۵: ۴). گاهی باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و آیین‌ها در قالب ضرب‌المثل‌ها، تمثیل‌ها و نمادها، بیان شده‌اند. این نمادها در ذهن آدمی نهفته‌اند. زیرا «ذهن ناخودآگاه انسان مدرن ظرفیت نمادسازی را حفظ کرده است، ظرفیتی که زمانی در باورداشت‌ها و مناسک انسان ابتدایی تجلی یافت؛ ما به پیام‌هایی که از همین نمادها سرچشمه می‌گیرند وابسته‌ایم، بی آنکه خودمان متوجه شویم پندارها و کردارها عمیقاً از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند» (یونگ، ۱۳۸۶: ۲۰).

باورها، بنیادی‌ترین مبانی جهان بینی انسان را در خود دارد. با تحول باورها، فرهنگ نیز گرایش و سمت و سوی دیگری به خود می‌گیرد. با شناخت تحول باورها، می‌توان تحولات اجتماعی، سیاسی، اعتقادی و فکری را نیز دریافت کرد. «(ذوالفقاری، ۱۳۹۴: مقدمه) هر یک از باورهای عامیانه که خود جزیی از فرهنگ عامه به شمار می‌رود، بازتاب دهنده روحیات، آرزوها و آمال یک ملت است و ریشه در اعماق جامعه دارد. باورها بیانگر شیوه‌های زندگی و چگونگی تفکر و مهم‌ترین منشأ بایدها و نبایدهای انسان است. «آدمی در دنیای باورهایش زندگی می‌کند. رفتار، کردار

و پندارش تحت تاثیر باورهای اوست. باورها، مجموعه‌ای از ذهنیات و پندارهایی هستند که آدمی آن‌ها را حقیقت می‌پندارد» (همان: ۱۴).

مخاطب کودک از طریق شخصیت‌های دنیای داستان برخی از مفاهیم و رفتارهای مهم و تاثیرگذار را در درون خویش نهادینه می‌کند. ویژگی سرگرم‌کنندگی، آرام بخشی و لذت بخشی داستان-ها همانند یک نیروی محرکه عمل کرده و تحول ساختارهای ذهنی را در کودکان سریعتر و آسان‌تر می‌کند. به عبارت دیگر، هنگامی که قصه و داستان اشتیاق کودک را بر می‌انگیزد، تلاش برای برقراری تعادل در او تقویت می‌شود. کودک به دلیل سن کم خود نمی‌تواند همه چیز را تجربه کند، ولی داستان او را در موقعیت‌هایی که شخصیت‌های داستانی آنها را تجربه می‌کنند، قرار می‌دهد. کودک از طریق این تجربه‌های مشترک می‌آموزد چگونه با مشکلات و چالش‌هایی که فرصت رو به رو شدن با آن‌ها را در عالم خارج نداشته، مقابله کند (دهقان و پریخ، ۱۳۸۲: ۲۲).

بیان مسئله

امروزه توجه به فرهنگ عامه و تمدن هر ملتی برای اقوام آن مهم تلقی می‌شود و با شناخت عمیق آن و پی بردن به ارزش‌های فرهنگی نیاکان خود و حفظ آن‌ها، از نفوذ فرهنگ‌های بیگانه در امان هستند. در این میان نویسندگان و شاعران بیش از دیگران به اهمیت آن واقف هستند و سعی می‌کنند با نمود آن در آثارشان به حفظ فرهنگ کمک کنند. باورها و آداب و رسوم به عنوان زیر مجموعه ادبیات و فرهنگ عامه نقش مهمی در زندگی کودکان و نوجوانان ایفا می‌کند. باورها به عنوان میراث ارزشمند گذشته، کودکان را با هویت فرهنگی انسان‌های گذشته و حتی امروز آشنا می‌کند. انعکاس باورها و آداب و رسوم در داستان‌های کودک، به او این امکان را می‌دهد که نظام باورهای فردی خود را بشناسد و به دنبال تقویت زیر بنای تفکر خود باشد. «نظام باورهای فردی در انسان، زیربنای تفکر و در پی آن زیر ساخت کنش‌های اجتماعی او را رقم می‌زند. در این نظام عواملی هم‌چون؛ شجاعت، قدرت، تمایل به ثروت، معنویت و موفقیت جایگاهی می‌یابند تا با تقویت عناصر مرتبط با آن تیپ شخصیتی فرد در آینده ترسیم شود» (عرفانی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۰۴). داستان به عنوان وسیله‌ای جهت ارضای نیازهای روحی- روانی کودکان حتی بزرگسالان به کار گرفته می‌شود. داستان به کودک فرصت می‌دهد که امیال و محتویات ناخودآگاه خود را تعبیر

نموده و محیط زندگی خود را بشناسد. داستان سبب می‌شود که کودک، بدون اینکه دچار ترس و ناراحتی شود، از حیوانات و اشیای آزارسان اجتناب ورزد. داستان به خاطر اینکه عبارتهای خشک و بی‌روح کتاب‌های درسی را ندارد بهتر و آسان‌تر می‌تواند اطلاعاتی را در اختیار کودکان قرار دهد و علاقه به یادگیری واقعی را در آن‌ها به وجود آورد. بطور کلی، داستان به شرط اینکه درست و دقیق انتخاب شود، بیش از سایر وسایل تربیتی در رفتار کودک مؤثر است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۲: ۷۶). بازتاب باورها و آداب و رسوم مذهبی در آثار کودکان نقش مهمی در افزایش اطلاعات عمومی و شناخت زندگی و ابعاد آن، آشنایی با باورها و اعتقادات مردمان گذشته و کسب تجربه‌های ارزشمند برای زندگی آینده دارد. هدف پژوهش حاضر بررسی و تحلیل باورها و آداب و رسوم مذهبی در داستان‌های کودکان و پاسخ به پرسش‌های زیر است. ۱. کدام باورها و اعتقادات بیشترین انعکاس و بازتاب را در داستان‌ها داشته‌اند؟ ۲. انعکاس باورها و آداب رسوم از لحاظ تعلیمی و تربیتی در زندگی کودکان چه تأثیری می‌تواند داشته باشد؟

پیشینه تحقیق

درباره بررسی باورها و آداب و رسوم مذهبی در داستان‌های منتخب کودک، پژوهش مستقلی انجام نشده است. به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه باورهای عامیانه در داستان‌های کودک اشاره می‌شود. این پژوهش‌ها در تحلیل و تعریف موضوع تحقیق حاضر مهم به نظر می‌رسد. بیدی، رویا (۱۳۸۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی فرهنگ عامه در کتاب داستان‌های کودکان و نوجوانان» با استفاده از روش آماری برای گردآوری اطلاعات به بررسی وضعیت فرهنگ عامه در داستان‌های تالیفی ویژه نوجوانان طی دهه هفتاد پرداخته است.

عرفانی بیضایی، محمد جواد و محسن رحیمی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی نظام باورها در قصه‌های عامیانه طبقه بندی شده ایرانی» به تحلیل قصه‌ها در نظام باورهای آن پرداخته‌اند. در این تحقیق از ۱۵۳ قصه عامیانه ایرانی که بر اساس روش تیپ‌شناسی آرنه/تامپسون طبقه‌بندی شده بودند، باورهای مورد نظر استخراج شده و نتایج حاصل از آن بر پایه نظریه‌های معتبر روانشناسی مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که باورهای پنهان شده در قصه‌های

عامیانه ایرانی در برخی موارد توجه چندانی به رشد شخصیت و تعالی انگیزشی مخاطبان خود نداشته‌اند و در پاره‌ای موارد نیز به ترویج الگوهای نادرست برای مخاطبان خود پرداخته‌اند.

ذوالفقاری (۱۳۹۵) در کتاب باورهای عامیانه مردم ایران، به برخی از باورهای اجتماعی، مذهبی رایج در بین مردم ایران پرداخته است. این اثر با استخراج باورهای عام، از متن‌های ادبی، اشعار، سفرنامه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و دیگر مطالب گره خورده با فرهنگ ایرانی، انعکاسی از باورها و به دنبال آن فرهنگ ملت ایران را به مخاطب عرضه کند.

جعفری، اسداله و محبوبه غلامی (۱۳۹۵) به بررسی بازتاب فرهنگ عامه در داستان‌های کودک صمد بهرنگی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که احاطه بر دانش‌های عامه زمان خود و کثرت اشارات آن‌ها به ویژه در افسانه‌های آذربایجان به کنایات، مثل‌ها، لغات و اصطلاحات عامیانه و بهره‌گیری بهرنگی از باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و شیوه‌های معیشتی مردم، زمینه‌ی مساعدی را برای ورود فرهنگ عامه در آثارش فراهم ساخته است.

محمد نژاد و احمدی (۱۳۹۸) به مقوله «باور به چشم زخم در آثار هوشنگ مرادی کرمانی» پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که از شیوه‌های دفع آثار چشم بد که در آثار مرادی کرمانی دیده می‌شود می‌توان به موارد ذکر و ورد خواندن، اسپند سوزاندن، از روی آتش پریدن، پوست تخم‌مرغ آویزان کردن به درخت، چشم کشیدن بر روی خشت، زاج سوزاندن و ریختن خرده‌های آن در جوی آب و آویزان کردن مهره‌های سبز به شاخ گاو اشاره کرد.

صفری و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله تحلیل و بررسی باورهای عامیانه در داستان‌های تالیفی کودکان با تکیه بر انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به این نتیجه رسیدند که از میان ۲۱۵ اثر داستانی، تنها ۶۰ اثر به باورهای عامیانه پرداخته‌اند؛ همچنین در داستان‌های دهه هفتاد و هشتاد نسبت به دهه نود، باورهای عامیانه کاربرد و بسامد بیشتری داشته‌اند. باورهای اجتماعی-فرهنگی بیشترین بسامد را در میان انواع باورها داشته‌اند. تفاوت این مقاله با تحقیق‌های انجام شده این است که نگاهی تحلیلی به این مسئله داشته و اینکه موارد جزیی تری از باورها و آداب دینی را بررسی کرده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، بررسی و تحلیل محتوا و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت بررسی اسناد کتابخانه ای است. داستان‌های منتخب کودک از نظر کاربرد باورها و آداب و رسوم مذهبی بررسی و تحلیل محتوا می‌شوند. داستان‌های مورد بررسی، به صورت تصادفی و از نویسندگان مختلف کودک انتخاب شده‌اند.

بحث و بررسی

باورها و آداب و رسوم مذهبی در داستان‌های کودکان

طبق نظر پژوهشگران و فرهنگ‌شناسان، باورها در آغاز پیدایش خود، بیشتر جنبه آیینی و دینی داشته‌اند، به تدریج و در طول تاریخ با تکامل مذاهب، ریشه‌های دینی به فراموشی سپرده شدند، اما از رواج آن‌ها میان ملت‌ها کاسته نشده است. «بررسی این باورها بیانگر مشابهت فرهنگ کنونی بشر با فرهنگ کهن اوست» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: مقدمه). باورهای مذهبی نقش مهمی در زندگی کودکان ایفا می‌کنند. آموزش صحیح این باورها و نهادینه کردن آن‌ها در درون کودکان و نوجوانان اهمیت زیادی در زندگی آن‌ها دارد. «اعتقادات، اندیشه‌ها و اصول مذهبی جهت و هدف زندگی را مشخص و معین می‌کند. در بسیاری از موارد هم می‌بینیم که شرایط مذهبی اوضاع اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. مردم خود را ملزم می‌دانند از انجام کارهای احیاناً سودآوری که با اعتقاد و دیدگاه‌های مذهبی‌شان مابینت دارد دوری کنند؛ مثلاً «شراب انداختن بر اساس اعتقاد مذهبی عملی حرام است همین مورد باعث شده که در بعضی روستاها از کاشتن درخت انگور خودداری کنند» (بیبهقی، ۱۳۶۵: ۲۶). بنابراین آثار ادبی که برای کودکان و بزرگسالان نوشته می‌شود، نمی‌توانند جهت‌گیری‌ای خلاف اصول مذهبی و علم و اخلاق جامعه، داشته باشند. «ارائه آگاهی‌های دینی درست و متناسب با نیازهای کودکان و نوجوانان نقش مهمی در اساس فرهنگ و فکر آنان دارد و زندگی آینده آن‌ها را جهت‌ی دینی و الهی می‌دهد» (طبسی، ۱۳۷۶: ۱۹۵). در داستان‌های بررسی شده کودکان، مفاهیم دینی و مذهبی، از جمله؛ مکان‌های دینی و مذهبی (مسجد، زیارتگاه‌ها، امام‌زاده‌ها)، شخصیت‌های دینی و مذهبی، آداب دینی (نماز، روزه، اعیاد مذهبی و واجبات دینی) و باورهای عامه مذهبی (قربانی کردن، نذر دادن، ذکر گفتن، سادات، بدرقه مسافر با قرآن و ...) بازتاب یافته است. انعکاس باورهای مذهبی در داستان‌های کودکان و توجه ویژه به آن،

باعث می‌شود که کودک مخاطب، ضمن آشنایی، آن را در ذهن خود تثبیت کند همچنین در یافتن هویت اخلاقی - مذهبی یاری‌گر او باشد.

کبوتر حرم

درباره کبوتر حرم، باورها و اعتقاداتی مبنی بر مقدس بودن آن وجود دارد. «کبوترها اغلب در آرامگاه و مقبره امامان و امامزاده‌ها هستند و این امر باعث ایجاد اصطلاح «کبوتر حرم» در زبان فارسی شده و از نوعی احترام و ارزش برخوردار است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۵۰۹). در یکی از داستان‌های کودکان متناسب با گروه سنی «ج» نیز به این باور توجه شده است. «کبوتر حرم گفت: «ما دور حرم می‌گردیم همه مردم صاحب ما هستند؛ در عین حال آزادیم. هیچ کس ما را به خاطر این که پرواز می‌کنیم سر نمی‌برد. اگر روزی یکی از ما بمیرد، همه می‌گویند: «نگاه کن! حیوانی کبوتر حرم بوده! بیریم توی باغچه خاکش کنیم» (میرکیانی، ۱۳۷۶: ۱۷). «در فرهنگ عامه، صید حرم و به طور کلی، هر چیزی که به مکانی مقدس پناه برده باشد، حرام است؛ و حرم به آنچه به آن تعلق دارد، تقدس می‌بخشد و آن را از تعرض و آسیب مصون می‌دارد. مردم باور دارند کبوتران بازمانده، کبوتران حرم هستند و شکار آن‌ها گناه دارد. صیاد دچار گرفتاری و عقوبت می‌شود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۸۹۸).

مورچه و باور دینی

مورچه نماد کوشش، فعالیت، زندگی اجتماعی و پیش بینی آینده است. «مورچه در فرهنگ ایرانیان نماد حکمت و دانش است. مورچه‌ها اغلب در فابل‌ها و ادبیات کودکان حضور دارند و نشانگر تلاش خستگی ناپذیر و زندگی اجتماعی است» (همان: ۱۰۴۶). یکی از سوره‌های قرآن به اسم (نمل) مورچه است. داستان سلیمان و مورچه در قرآن و تفاسیر نیز آمده است. درباره مورچه اعتقادات و باورهای خاصی مطرح است. برای مثال در باورهای دینی، مورچه سرخ به عنوان کافر شناخته می‌شود. در کتاب داستان «یکی بود» اثر سوسن طاقدیس متناسب با گروه سنی «الف-ب» (کودکان پیش دبستانی گروه الف و سال‌های اول ابتدایی گروه ب) به این مسئله به شیوه‌ی غیرمستقیم اشاره شده است؛ «روزی نبود که شب بشود و مورچه‌های سرخ به لانه مورچه‌های سیاه حمله نکنند؛ غذاهای آن‌ها را نذرند، نوزادهای کوچولو آن‌ها را اذیت نکنند و هزار بلای دیگر سر آنها نیاورند» (طاقدیس، ۱۳۸۶: ۶). این باور در میان مردم نیز رایج است. «طبق باورهای مردم، مورچه

سرخ کافر است؛ چون روی امام حسین (علیه السلام) آتش ریخته است و مورچه سیاه مسلمان است و امام حسین (علیه السلام) را در روز عاشورا کمک کرده است» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۰۴۷). نوع پرداخت این باور در این کتاب داستان علاوه بر اینکه می‌تواند برای کودکان جذاب باشد، به نوعی آموزنده هم هست و یادآور می‌شود که ظلم و ستم پایدار نیست و یکی هست (خدا) که همیشه ناظر بر اعمال افراد و یاریگر حق است.

آداب دعا کردن

در باور عامیانه، دعا کردن جلوه‌های خاصی دارد. دعا در باور عامیانه برای رفع چشم زخم، دعا برای زنان نازا، دعا برای رفع چله و دعا برای بستن نیش عقرب و غیره دیده می‌شود. در داستان‌های کودکان نیز دعا کاربرد ویژه‌ای دارد. در داستان‌های بررسی‌شده، دعاها بیشتر از نوع داشتن آرزوی خیر برای دیگران است. نمونه آن در داستان «گل بو و گل رو» مناسب گروه سنی «ج» (کودکان سال‌های آخر دبستان)؛ «الهی خیر از زندگیت ببینی گل بو، الهی به هر آرزویی که داری برسی» (یوسفی، ۱۳۷۹: ۱۶). در داستان بچه‌های کوچی مناسب گروه سنی «ج» دعا برای بقا و پایداری در زندگی است. «الهی سایه ات از سربچه‌هایت کم نشود خدا عمرتان بدهد» (میرکیانی، ۱: ۳۸۴: ۱۲). «خانم بزرگ گفت: «خاله جونم، مهریونم، دردت به جونم چی شده؟ چرا رنگت پریده؟ چرا می‌لرزی؟ چرا می‌ترسی؟» (شعبان‌نژاد، ۱۳۷۷: ۳۱) در داستان فوق که مناسب گروه سنی «ج» است، صمیمیت خاصی در این عبارت دیده می‌شود. درد و بلایت به جانم «این عبارت، عبارتی محبت آمیز است که بیشتر به صورت تکیه کلام به کار می‌رود» (شاملو، ۱۳۷۷: ۱۴۳۱). گاهی هم دعای بچه‌ها و صمیمیت و تأثیر دعای آن‌ها مطرح می‌شود. نمونه‌ی دیگر آن در داستان ماهک و پرنده مناسب گروه سنی «ج»؛ «خدا دعا کردن بچه‌ها را دوست دارد چون بچه‌ها بی گناهند و قلب‌های مهربانی دارند» (زاهدی، ۱۳۹۰: ۱۹). مردم طبق آموزه‌هایی دینی باور دارند که موقع افطار و هنگام اذان دعا کردن ثواب دارد و دعاها زودتر برآورده می‌شوند. «پدر موقعی که روزه بود قبل از اذان قرآن می‌خواند و از اول تا آخر اذان، دست پدر و مادر به سمت آسمان بلند بود و زیر لب دعا می‌خواندند» (فراست، ۱۳۷۹: ۱۲). گاهی به مکان‌های دینی می‌روند و دعا می‌کنند تا تأثیر دعا بیشتر شود. در این داستان که مناسب گروه سنی «ج» است؛ «نسیم یادش آمد هر وقت به مسجد می‌رفتند، دعا می‌خواندند؛ از خدا می‌خواستند مریض‌ها را شفا بدهد» (ماهوتی، ۱۳۷۵: ۱۰).

داستان این شرایط را برای کودک فراهم می‌سازد تا بتواند آموزه‌های دینی خود را ارتقا دهد و با خدا از طریق دعا کردن ارتباط برقرار کند.

آداب عید غدیر و سادات

غدیرخم ناحیه‌ای میان مکه و مدینه است. در هجده ذی الحجه، در این مکان پیامبراکرم (ص) جانشین خود حضرت علی (علیه السلام) را با جمله «هر آن کس را که من مولای او هستم، علی مولای اوست.» (فیاضی، ۱۳۸۶: ۷) انتخاب کردند. این واقعه به دلیل گرمی بودن آن، بین شیعیان به عید غدیر معروف است و هر ساله جشن باشکوهی برای نیکوداشت آن مراسم برگزار می‌شود. باورهای گوناگونی دربارهٔ انجام برخی امور در روز عید غدیر وجود دارد. مثلاً «باور بر این است که اگر کسی در روز عید غدیر کار کند از دستش زگیل خارج می‌شود. یا روز عید غدیر هر لباسی را بپوشند تبرک می‌شود و در مجالس عیش و عروسی از آن استفاده می‌شود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۸۴۷). همچنین این عقیده وجود دارد که سادات از اولاد پیامبر هستند، باید حرمت آن‌ها حفظ شود و در این روز مردم به دیدار سادات می‌روند و برای آن‌ها هدیه می‌برند و گاهی از دست آن‌ها هدیه دریافت می‌کنند. این باور نیز در داستان‌های کودکان متناسب با گروه سنی «ب-ج» انعکاس یافته است. «بی‌بی خانم هر سال روز عید غدیر به دیدن خانم سادات می‌رفت و برایش هدیه‌ای می‌برد» (کاظم‌زاده، ۱۳۷۶: ۷). انعکاس اعیاد مذهبی و باورهای مربوط به آن‌ها در داستان‌های کودکان اهمیت زیادی دارد. شناخت این باورها باعث می‌شود کودک با تفکر درباره این باورها، اعتقادات خویش را در زمینه‌های مختلف مذهبی تقویت کند.

آداب چرخاندن مرده دور امامزاده

چرخاندن میت دور امامزاده یکی از باورهای رایج در بین مردم ایران است. در بین ایل بختیاری رسم بود جسد میت را به دور امامزاده بچرخانند و بعد او را دفن کنند، این رسم هنوز در بعضی مناطق بختیاری نشین رایج است. نمونه این باور در داستان «سرزمین ما ایران» که برای گروه سنی «ج» نگارش یافته است، وجود دارد؛ «وقتی کسی در ایل می‌مرد. این برزو بود که دستور می‌داد زین و برگ اسبی را با پارچه سیاه بپوشانند چوخوا و تفنگ مرده را روی اسب ببندند و دور امامزاده‌ای بگردانند» (خداجو، ۱۳۷۹: ۵). آشنا شدن کودکان با باورهای مناطق مختلف، علاوه بر

جذابیت، تجربه‌های مهم و جدیدی برای آن‌ها به همراه دارد. این باورها از طریق ژانر داستان و شخصیت‌های آن برای کودکان نهادینه می‌شود.

بدرقه مسافر با آب و قرآن

«قرآن» کلام خدا و کتاب مقدس مسلمانان است. مسلمانان معتقدند قرآن ازلی و در لوح محفوظ نزد خداوند وجود داشته است (انصاری، ۱۳۷۷). قرآن نزد مسلمانان از حرمت فراوانی برخوردار است و در حفظ و نگهداری از آن بسیار دقیق هستند. باورهایی درباره حفظ حرمت قرآن وجود دارد. برای مثال: «جایی که قرآن است نباید پا دراز کرد. یا «اعتقاد دارند بعد از قرآن خواندن نباید باز گذاشت؛ چون شیطان آن را می‌خواند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۸۷۵). یکی دیگر از باورهای مربوط به قرآن این است که مسافر با رد شدن از زیر قرآن خود را در پناه قرآن قرار می‌دهد و از خطرات سفر در امان می‌ماند. این کار سبب موفقیت و سلامت مسافر نیز می‌شود. آیین بدرقه مسافر، یکی از آداب و رسوم زیباست که با اعمال و اشیاء مختص خود انجام می‌شده است. اشیاء و وسایلی همچون آیینه، آب، اسفند و کتاب آسمانی قرآن و غیره. در داستان‌های کودکان بیشتر متناسب با گروه سنی «ج» نمونه‌های فراوانی از بدرقه مسافر با آب و قرآن دیده می‌شود. «مادرم، دعایی خواند و به طرفم فوت کرد و قرآن بالای سرم گرفت و گفت که آن را بیوسم و از زیرش رد شوم. آن وقت تا دم در کوچه همراهم آمد و مرا به دست خدا سپرد» (رهگذر، ۱۳۷۷: ۳۳). علاوه بر بدرقه مسافر از زیر قرآن، آب نیز پشت سر مسافر می‌ریزند «تا سفرش بی خطر باشد» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۵). در داستان‌های کودکان نیز این باور دینی دیده می‌شود. «پدر میان زمزمه دعا و اشک‌های مادر، راهی کوهستان شد. مادر پشت سر او کاسه‌ای آب ریخت» (خداجو، ۱۳۷۹: ۵۲). آب پشت سر مسافر یکی از فرهنگ‌ها، آداب و رسوم بجای مانده از تاریخ ایران بوده و همچنان جزو باورهای رایج در بین ایرانیان است. استفاده از قرآن و آب برای بدرقه کردن مسافر تقریباً برای همه ما ملموس است؛ قرآن به‌عنوان پل ارتباطی آدم‌ها با خدا و آب به نشانه حیات و زندگی، ضامن سلامتی مسافر می‌شود. کودکان در داستان با این باور آشنا می‌شوند و دلیل و چرایی آن را از طریق کنجکاوی کودکانه خود می‌یابند.

ان شاء الله گفتن

از باورهای مذهبی رایج و پرکاربرد، ان شاءالله گفتن برای انجام کار و یاری خواستن از خداوند برای موفقیت در عاقبت امور است. «هنگام انجام کارهای خیر باید ان شاءالله، به امید خدا، گوش شیطان کر، چشمان شیطان کور گفت» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۱۳). در داستان‌های کودکان این باور اغلب به شکل ان شاءالله با کاربرد بسیار بالایی بیان شده و از دیگر تعبیری چون؛ گوش شیطان کر یا به امید خدا کمتر استفاده شده است؛ همچنین تکرار این باور برای گروه سنی «ج» نسبت به دو گروه دیگر «الف-ب» بیشتر است. در قرآن کریم و در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره کهف این چنین آمده است: «هرگز درباره چیزی مگو که من فردا آن را انجام می‌دهم، مگر اینکه [بگویی: اگر] خدا بخواهد و هرگاه [گفتن ان شاءالله را] از یاد بردی، پروردگارت را یاد کن و بگو: امید است پروردگارم مرا به چیزی که از، این به صواب و مصلحت نزدیک تر باشد، راهنمایی کند» (کهف/۲۳-۲۴). از این آیه می‌توان برداشت کرد که گفتن عبارت «ان شاءالله» در هر کاری مطلوب است و به صراحت می‌توان گفت یک باور قرآنی و جا افتاده در بین مردم است. به دلیل اینکه عبارت «ان شاءالله» در میان مردم کاربرد زیادی دارد، برای کودک سوال پیش می‌آید که چرا از این عبارت استفاده می‌شود. کاربرد این باور در داستان می‌تواند پاسخ پرسش کودک را بدهد. «مردخانه با مهربانی ظرف زیتون را گرفت و گفت: «پسرم! خدا دلت را شاد کند. ان شاءالله که همیشه سبز باشی» (مجتهد، ۱۳۷۶: ۸). ان شاءالله بیشتر برای انجام امور در آینده به کار می‌رود. «مازیار گفت: «ان شاءالله هر وقت بیاید می‌آیم و می‌بینمش» (همان: ۱۵). گفتن ان شاءالله در انجام امور باعث می‌شود که شیطان نتواند در انجام امور دخالت کند و شخص از شر وسوسه‌های او در امان باشد. «آقای ناظم دستی به شانه-ام کشید و گفت: «چیزی نیست، بلند شو! ان شاءالله خوب می‌شوی. شبها غذای سنگین نخور تا دل درد نگیری» (میرکیانی، ۱۳۸۴: ۹). کودکان اگرچه با این عبارت و معنای آن کم و بیش آشنایی دارند و در زندگی روزمره این عبارت را از بزرگسالان شنیده‌اند، اما انعکاس آن در داستان و بیان این عبارت از زبان شخصیت‌های داستان برای مخاطب جذابیت خاصی دارد و در زندگی او نهادینه می‌شود.

شیطان را لعنت کردن

شیطان را لعنت کردن یکی از عبارت‌های رایج در میان مردم است. اسطوره شیطان با اسطوره اژدها، مار، گول خویشی دارد. «شیطان نماد تمام نیروهای آزارنده، ظلمانی و ضعیف کننده آگاهی است. شیطان مرکز شب است و در مقابل خداوند قرار می‌گیرد» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷۹۳). انسان برای دوری از شیطان و دخالت ندادن او در زندگی و تصمیمات خود، با گفتن عبارت «لعنت بر شیطان یا گوش شیطان کر» به انجام امور خود می‌پردازد. «وقتی فکر گناه به آدم خطور می‌کند، شیطان در رگ و پوست آدم است و وقتی شیطان در رگ و پوست آدم می‌رود، آدم باید به خدا پناه ببرد. شیطان انسان را فریب می‌دهد تا خطا کند» (همان: ۷۹۳). در آثار بررسی شده نمونه‌هایی از این تفکر و باور در داستان‌های گروه سنی «ج» وجود دارد. «اسماعیل آقا کفاش، روی پله راهرو نشسته بود و شیطان را لعنت می‌کرد» (میرکیانی، ۲، ۱۳۸۴: ۵۳). گاهی هم به شکل عبارت «گوش شیطان کر» به کار رفته است. «مادرم لیخندی زد و گفت: «خب، بگو گوش شیطان کر!» (میرکیانی، ۳، ۱۳۸۴: ۳۷). در برخی مواقع هم انسان به خاطر ناخوش بودن احوال خود، عصبانی شدن و زود از کوره در رفتن، شیطان را لعنت می‌کند. چراکه این احوالات را از تلقینات او می‌داند. «هر وقت اوقات تلخ شد شیطان را لعنت کن» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۷۹۶). گاهی هم برای جلوگیری از فریب و وسوسه شیطان، او را لعنت می‌کنند. «حشمت آقا سر صحبت را باز کرد و گفت: «خب بچه است دیگر. گاهی شیطان سراغمان می‌آید و ما را گول می‌زند» (میرکیانی، ۳، ۱۳۸۴: ۵۰).

نذری دادن

یکی دیگر از باورهای عامیانه دینی، نذری دادن است. «نذر آن است که انسان بر خود واجب کند امر خیری را برای خدا به جا آورد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است، برای خدا ترک کند. نذری دادن یکی از آداب دینی و آیینی مردم ایران است که به مناسبت‌های مختلف انجام می‌شود» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۰۸۷). نذر انواع مختلفی دارد و هرکس بر حسب اعتقاد و شرایط خود چیزی یا عملی را نذر می‌کند، گاهی قبل از گرفتن حاجت نذر خود را ادا می‌کند و گاه بعد از اینکه به خواسته خود رسید، انجام می‌دهد. این باور در داستان‌های کودک انواع مختلفی دارد. برای نمونه نذر کردن حیوان برای سلامتی و عافیت در داستان «جنگ جهانی سوم» برای گروه سنی «ج»؛ «پدرم نذر داشت هر سال تابستان برای سلامتی مادرم گوسفندی قربانی می‌کند» (نوایی، ۱۳۹۱: ۱۳۹۱).

۱۵). یکی از نذرهای رایج در بین مردم آش پختن است که به وجوه مختلفی انجام می‌شود. در داستان «ماجرای علی کوچولو» برای گروه سنی «ج»، «علی کوچولو هورا کشید و به طرف احمد دوید و بلند بلند گفت: «هی احمد، مامان من هم نذر کرده، ما هم آش می‌پزیم.» (راستی، ۱۳۸۸: ۵۳). گاهی هم برای شفای مریض و رفع قضا و بلا نذر می‌دهند. در داستان گردن‌بند متناسب با گروه سنی «ج»، «از جیش چند سکه بیرون آورد و گفت: «برای سلامتی مادر، نذر کردم. بیا این‌ها را توی صندوق بریزیم.» (ماهوتی، ۱۳۷۵: ۸). پختن غذای نذری یکی از سنت‌های پسندیده مسلمانان در مناسبت‌های مذهبی مانند محرم و صفر است. متداول‌ترین غذای نذری ماه محرم، خورشت قیمه است. «بوی قیمه نذری امام حسین (علیه السلام) همه‌ی محله را پر کرده بود» (سلامت، ۱۳۹۱: ۳۳). این باور که در جامعه امروز کاربرد فراوانی دارد، تکرار آن در داستان‌های کودک می‌تواند برای او جالب و سوال برانگیز باشد. نویسنده از طریق داستان و حوادث آن، اهمیت این باور را دو چندان می‌کند و مخاطب کودک نیز این باور را در خود نهادینه می‌کند و به زندگی خود رنگ و بویی دینی می‌دهد.

قربانی کردن

قربانی یک باور دینی و اعتقادی است. بیان کننده تسلیم فرمان‌های الهی بودن است. (اسلام، ۱۳۹۴: ۳۶) آیین قربانی کردن عمری به درازای حیات بشریت دارد. بر اساس تحقیقاتی که درباره پیشینه ادیان صورت گرفته است، اولین راهکار بشر برای تقرب به خدایان، قربانی کردن بوده است. این آیین که در تمام ادیان ریشه دارد، نخستین بار توسط هابیل و قابیل که از اولین مخلوقات انسانی خداوند بودند، به اجرا درآمد. «برخی قربانی را به عنوان آیینی تعریف کرده‌اند که طی آن، چیزی به هدر رفته یا به هلاکت می‌رسد و با این کار، رابطه‌ای میان منشأ ماورای طبیعی با انسان‌ها ایجاد می‌شود. حال این رابطه می‌تواند برای کسب قدرت معنوی و شرکت با الوهیت در یک وعده غذایی مشترک میان خدایان و انسان‌ها باشد یا در جهت رفع نقایص و ضعف‌های انسان‌ها. در صورت دوم قربانی پیشکش را نباید خورد» (آزادی، ۱۳۹۴: ۸). برخی دیگر قربانی را در اصطلاح کلی، در علم ادیان چنین تعریف کرده‌اند: «گرفتن زندگانی موجود زنده‌ای (اعم از انسان، حیوان یا نبات) از راه کشتن یا سوزاندن یا دفن کردن یا خوردن، به منظور تقرب به خدایان و جلب نظر آنان» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۸۷۷). امروزه نه تنها در روز عید قربان، بلکه به مناسبت‌های مختلف در بین

مردم، حیوانی قربانی می‌شود؛ تولد یک فرزند، رخداد اتفاق خوشایند، به دست آمدن مال و ثروت و یا برآورده شدن یکی از خواسته‌های فردی که سال‌ها دست به دعا بوده است، هر کدام می‌تواند بهانه‌ای برای قربانی کردن و یا به اصطلاح عامیانه‌تر آن، خونریزان باشد. با این تصور که این خون ریخته شده می‌تواند محافظ باشد. نکته قابل تأمل این است که با این تصور، قربانی در فرهنگ امروز، واجد کارکرد و مفهوم دیگری شده است. مسئله این است که گرچه قربانی یک آیین مذهبی به شمار می‌آید، از اساس خود که رنگ‌وبویی عرفانی و اسطوره‌ای داشته، فاصله گرفته است. سرنوشت بسیاری از آداب آیینی در فرهنگ‌ها از دست دادن پشتوانه‌های معنایی آن‌ها است. امروزه تنها شکل ظاهری قربانی و انجام عمل آن مطرح و مفاهیم و سرگذشتی که در خود دارد، به فراموشی سپرده شده است. کودکان امروز نیاز دارند، فلسفه و چرایی قربانی کردن را بدانند. آن‌ها تنها با شکل آن آشنا هستند که هر ساله به بهانه‌های مختلفی صورت می‌گیرد. «پدرم نذر داشت هر سال تابستان برای سلامتی مادرم گوسفندی قربانی کند» (نویسی، ۱۳۹۱: ۱۵). در داستان «مرغ شل» متناسب با گروه سنی «ج» اصرار شخصیت برای قربانی دادن، «مامان به بابا می‌گوید: «اول باید یک خونی زمین بریزی، بعد ماشین را راه بیندازی توی خیابان‌ها. شگون ندارد. من که سوار نمی‌شوم. بچه‌ها هم حق ندارند سوار بشوند» (ضرابی زاده، ۱۳۹۲: ۱۰). نگرانی شخصیت داستان به سبب خرید ماشین و ندادن قربانی و گرفتار بلا شدن در چند قسمت از داستان؛ «فکر می‌کنم اگر قربونی نکشیم، بلایی سرمان می‌آید. می‌ترسم تیغش بخورد چشم بچه‌های زبان بسته‌ام. همینجوری هم سر زبان‌ها هستند طفلی‌ها» (همان: ۱۵). زمانی که شخصی ماشین یا هر چیزی ارزشمندی می‌خرد، همه منتظر قربانی یا خون ریزی هستند. «تورج گفت: به سلامتی ماشین خریدی. الهی مبارکتان باشد. می‌گفت: به سلامتی می‌خواهید قربونی بکشید» (همان: ۳۹). گاهی به جای خون ریختن، تخم مرغی را می‌شکنند تا همان عمل خون ریختن را انجام دهد و از چشم زخم و قضا و بلا در امان باشند. «مامان گفت: تخم مرغ مال هیچ کس نیست، بابا که آمد، می‌گذارمیش زیر چرخ‌های ماشین بابایتان...» (همان: ۷۵).

آجیل مشکل گشا

آجیل از دیر باز یکی از نمادهای فرهنگ ایرانی بوده است. نامگذاری آجیل‌ها یا بر اساس کاربرد (آجیل مشکل گشا) و یا بر اساس ترکیبات (شور، شیرین، هفت مغز و غیره) صورت می‌گیرد.

(سپهر، ۱۳۸۵: ۲۲) درباره آجیل مشکل گشا چنین آمده است: «خشک میوه‌ها باشد که زنان به نذر بخشند برآمدن حاجتی را» (ذوالفقاری، به نقل از دهخدا، ۱۳۹۴: ۴۳). اصطلاح آجیل مشکل گشا بین ایرانیان رایج است و بخشی از اعتقادات مذهبی آنان نیز شده است؛ در بسیاری از مراسم مذهبی، اعیاد، ولادت امامان و یا بر حسب اعتقادات خود به ماه‌های قمری مثل رجب، شعبان، رمضان، محرم، صفر و غیره از آجیل مشکل گشا استفاده می‌شود و بر این باورند که در رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات، نقش مهمی دارد. در مورد آیین آجیل مشکل گشا و تهیه آن بین مردم شهرهای ایران کم و بیش تفاوت وجود دارد؛ اما در بیشتر آن‌ها ترکیباتی مثل خرما، کشمش، نخود، انجیر، پسته، بادام و نبات دیده می‌شود. نمونه آن در داستان کودکان نیز دیده می‌شود. «بخور، آجیل مشکل گشاست. انشالله مشکل من و تو هم گشوده و حل می‌شود» (یوسفی، ۱۳۹۲: ۲۱).

بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله گفتن

ذکر «بسم الله الرحمن الرحيم» دارای عظمتی والا است. همانگونه که در قرآن کریم در آغاز هر سوره‌ای، بسم الله الرحمن الرحيم آمده است، بهتر است در شروع هر کاری هم این لفظ را به کار برد تا از شر شیطان در امان بود. ذکر بسم الله الرحمن الرحيم در آغاز غذا و الحمد لله در پایان غذا از سنت‌های رایج در میان مسلمانان است و روایاتی در این باره وجود دارد: «رسول خدا فرمودند: چون سفره گسترانیده می‌شود چهار هزار ملک دور آن را احاطه می‌کند. اگر بنده خدا بسم الله الرحمن الرحيم بگوید؛ ملائکه می‌گویند: خدا به شما و طعام‌تان برکت دهد و شیطان را دور کند، و بعد از فارغ شدن از غذا اگر بنده خدا گفت: الحمد لله ملائکه گویند: این‌ها گروهی هستند که خداوند به ایشان نعمت داد و شکر این نعمت را اداء کردند» (حلیه المتقین، ۱۳۶۹: ص ۳۹، آداب طعام). بر همین اساس مردم باور دارند، هنگام غذا خوردن با گفتن ذکر بسم الله الرحمن الرحيم شیطان را از خود دور می‌کنند و به برکت سفره افزوده می‌شود. کاربرد این باور در داستان‌های بررسی شده اندک است. در صورتی که انعکاس این باور در داستان‌های کودک، نقش مهمی در تربیت دینی کودک و نهادینه شدن مسئله شکرگزاری از خداوند به عنوان یک اعتقاد مهم دینی و مذهبی در زندگی کودک دارد. برای نمونه در داستان «بچه‌ها صبر کنید» متناسب با گروه سنی «ج»؛ «مادر و نرگس سفره را پهن کردند. مادر، اول برای بچه‌ها، و بعد هم برای خودش آش

ریخت. بعد زیر لب گفت: «بسم الله الرحمن الرحيم.» پس از پایان غذا، مادر گفت: «الهی شکر» (بار فروش، ۱۳۸۱: ۲۴). گفتن این ذکر در آغاز هر کاری خوب است. در داستان «قصه های محمدحسن» این نمونه دیده می شود. «آقای جعفری اول هر کاری بسم الله الرحمن الرحيم می-گفت و من هیچ وقت به این مسئله فکر نکرده بودم» (پوریامین، ۱۳۸۸: ۳۶).

آب دادن به (حیوانات) مرغ موقع کشتن

آداب و باورهای درباره سر بریدن حیوانات و پرندگان وجود دارد. «ماکیان^۱ را که سر می برند، چاقوی خون آلوده را در زمین فرو می کنند تا پرنده ذبح شده زودتر جان دهد و زیاد پرپر نزند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۱۰۱۰). از احکام واجب هنگام سربریدن مرغ بسم الله الرحمن الرحيم گفتن و از احکام مستحبی، دادن آب به مرغ قبل از ذبح است. در باورهای عامه هنگام سر بریدن مرغ و گوسفند باید آب به دهانش ریخت و همچنین هنگام ذبح گوسفند حتما باید به آن آب خوراند چون بر این باورند که اگر حیوان تشنه باشد، گناه دارد و موجب می شود کيفرش اهل خانه را بگیرد» (همان: ۳۸). این باور در یکی از داستان های کودکان برای گروه سنی «ج» نیز منعکس شده است «بابا می خواهد مرغ را سر ببرد ماما جوش می آورد: «حبیب، اقلا برو یک لیوان آب برای این زبان بسته بیاور» (ضرابی زاده، ۱۳۹۲: ۲۶).

خیرات کردن برای مرده

خیرات به معنای اعمال حسنه و کارهای نیکو است. «خیرات در کاربرد عامه، اغلب بخشش به نیازمندان و دادن خوراکی به دیگران به منظور ثواب و شاد کردن روح اموات است. شب جمعه خیرات کردن برای اموات نیکوست (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۵۵۵). مردم اعتقاد دارند که «شب های جمعه باید پیش از غروب آفتاب خرما، حلوا یا انجیر نثار مردگان کرد» (همان: ۴۸۱). این باور در داستان های کودکان متناسب با گروه سنی «ج» نیز دیده می شود. «در شب جمعه برای مرده ها خرما خیرات کردند» (راستی، ۱۳۸۸: ۲۴). «مادر زیر لب گفت: «امشب که شب دوشنبه است، اصلا بهتر است شب جمعه برای آقا جان خدایامرز حلوا ببزم.» (خلیلی، ۱۳۸۱: ۶۳) انعکاس این باور در زندگی کودک اهمیت زیادی دارد. چرا که او هم در آینده باید این باور را اجرا و آن را به آیندگان منتقل کند.

خواندن نماز باران

نماز یکی از واجبات دینی و عبادت مخصوص مسلمانان است. علاوه بر نمازهای پنج گانه، نماز آیات، نماز عید فطر، نماز خسوف و کسوف از انواع نمازها است. نماز باران جهت جلب رحمت خداوند به صورت جماعت خوانده می‌شود. مصطفی رحماندوست در گفت‌و شنود با نویسندگان بیان می‌کند: «حدود ده سال پیش در تلویزیون دیدم که خشکسالی در پرتقال بوجود آمده و مردم برای طلب باران به صحراها رفته و دارند دعا می‌کنند. من فکر می‌کردم دعای طلب باران فقط برای ماست، مال اروپایی‌ها آن هم پرتقال. وقتی قوانین خرد جمعی کم می‌آورد، ابر نیست، باران نیست، باور عامه جای خودش را باز می‌کند» (اقبال زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۸). در داستان کودک نمونه آن در یک داستان برای گروه سنی «ج» آمده است. «امام علی بن موسی فرمودند سه روز روزه بگیرند و روز دوشنبه همراه ایشان به بیابان بروند تا نماز باران بخوانند» (زاهدی نامقی، ۱۳۹۰: ۲۱).

نثار کردن

نثار کردن همانند نذر و قربانی از اقسام نیکی و بخشش است. نثار کردن بخشیدن و پیشکش کردن چیزی به کسی. (فرهنگ معین، ۱۳۷۱: ذیل واژه نثار) در شادی‌ها برای شکرگزاری از خالق شادی‌ها دیگران را در شادی خود سهیم می‌دانند. در داستان اسب پرنده برای گروه سنی «ج»، خان به سبب رخ دادن حادثه خوبی که برایش اتفاق افتاد، تصمیم گرفت دیگران را در شادی خود سهیم کند و بیشترین عواید آن را نصیب نیازمندان کند. «هلله‌ای بین مردم پیچید. همه خوشحال شدند. خان گفت: به افتخار آن‌ها چهل شبانه روز جشن می‌گیریم. و داد زد: آهای چرا معطلید؟ گوسفند بکشید؛ اجاق درست کنید. همه شاد باشید و شادی کنید» (قوجق، ۱۳۸۹: ۴۵). در نمونه دیگر برای گروه سنی «ج»، شخصیت داستان نیز تصمیم دارد دیگران را در شادی خود با نثار و بخشش خرما سهیم کند. «فکر می‌کرد پدرش بر می‌گردد آن وقت به شکرانه‌ی این شادی‌ها تمام خرماها را می‌چید و تمام بچه‌ها را مهمان می‌کرد» (خلیلی، ۱۳۷۹: ۱۰).

تبرک کردن

تبرک عملی دینی است و شیعیان در سراسر جهان به آن معتقدند. در اصطلاح دینی، تبرک عبارت است از طلب برکت، شگون و خیر از خدا یا انسان و شیئی که خدا امتیاز ویژه ای به او بخشیده است؛ خواه برکت دنیوی باشد، مانند افزایش روزی، خواه اخروی، مانند علو درجات در آن دنیا.

مومن در عمل برکت سعی دارد به واسطه آثار برکت بخش، از فیض و قدرت الهی بهره مند شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۷) در بین ایرانیان نیز اعتقاد بسیاری نسبت به امر تبرک مقدسین وجود دارد و آن را شفا بخش می‌دانند، از جمله؛ تربت امام حسین (علیه السلام)، آب سقاخانه، تربت دیگر اهل بیت (علیهم السلام) و خوراکی‌های نذری. در داستان‌های کودک نمونه این باور دینی بازتاب یافته است. «پیرزن گفت: کمی نذری امام حسین (علیه السلام) را در فریزر می‌گذارم و تا محرم دیگر، هر بار که غذا درست می‌کنم، کمی از این نذری را در غذایم می‌ریزم تا تبرک شود. تبرک امام حسین (علیه السلام) شفا است» (سلامت، ۱۳۹۱: ۳۷).

ارائه باورهای دینی و مذهبی در داستان‌های کودکان به تقویت فضائل اخلاقی، منش و جهت دادن اندیشه کودک به سمت یک زندگی دینی الهی، آن هم در عصر ارتباطات، دنیای مجازی و تهاجمات فرهنگی، اهمیت بسزایی دارد. توجه نویسندگان به نهادهای مذهبی از جمله هیئت‌ها، مساجد، زیارتگاه‌ها و امامزاده سبب می‌شود تا در آینده، ارتباط کودک با این نهادها بیشتر شود. ارائه باورهای دینی و مذهبی از سوی نویسندگان کودک در داستان‌های بررسی شده متناسب با نیازهای کودکان است و نمود بسیاری داشته‌اند؛ اما همچنان تنوع باورها کم است.

جدول ۱. بسامد باورها و اعتقادات مذهبی

کبوتر حرم - مورچه و اعتقادات دینی - چرخاندن مرده دور امامزاده - آجیل مشکل گشا - آب دادن به حیوانات موقع کشتن - خواندن نماز باران - نوشیدن آب و یادکردن از امام حسین (ع) - تبرک کردن	بسیار کم
عید غدیر و سادات - بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله گفتن	کم
قربانی کردن - خیرات کردن برای مرده - نثار کردن	متوسط
دعا کردن - بدرقه مسافر با آب و قرآن - انشالله گفتن - شیطان را لعنت گفتن - نذری دادن	زیاد

آداب دینی و باورهای مرتبط با آن، یکی از نشانه‌های پابندی به دین و مذهب است و ارائه آن در داستان‌های کودک به تقویت فضائل اخلاقی، منش و جهت دادن اندیشه او به سمت یک زندگی دینی الهی، آن هم در عصر ارتباطات، دنیای مجازی و تهاجمات فرهنگی، کمک شایانی می‌کند. توجه نویسندگان به نهادهای مذهبی از جمله هیئت‌ها، مساجد، زیارتگاه‌ها و امامزاده‌ها سبب می‌شود تا در آینده کودک ارتباطش با این نهادها بیشتر شود. ارائه آداب دینی و باورهای مذهبی (نذری دادن، قربانی، کبوترحرم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمدلله گفتن موقع غذاخوردن، انشالله گفتن و...) از سوی نویسندگان کودک در داستان‌های بررسی شده متناسب با نیازهای کودکان است و نمود بسیاری داشته؛ اما همچنان تنوع باورها کم است. داستان بستر مناسبی برای تربیت و آموزش غیرمستقیم کودکان است و چه بهتر که نویسندگان از این فرصت بهره ببرند و باورهای مذهبی که در یافتن هویت اخلاقی-دینی و بالا بردن روحیه اجتماعی کودکان تأثیرگذار است، بیشتر به کار ببرند و تنوع آن را زیاد کنند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

- آزادی، نجیمة، (۱۳۹۴). رمزگشایی آیین قربانی در اسطوره، عرفان و فرهنگ، مجله ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی. دوره ۱۲، شماره ۳۸.
- انصاری، مسعود، (۱۳۷۷) «لوح محفوظ»، در جلد دوم دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران، دوستان و ناهید.
- اقبال زاده، شهرام؛ رحماندوست، مصطفی؛ شمس، محمدرضا؛ صالحی، رضا؛ وکیلان، (۱۳۸۴). گفت و شنود درباره اهمیت و جایگاه ادبیات شفاهی در ادبیات کودک و نوجوان. مجله علوم اجتماعی: فرهنگ مردم. شماره ۱۳.
- بارفروش، شهلا، (۱۳۸۱). بچه‌ها صبر کنید! گروه سنی ج. نشر بنیاد بعثت.
- بهار، مهرداد، (۱۳۸۶). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: انتشارات آگاه.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵). پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، مشهد: آستان قدس رضوی.
- پوریامین، مریم، (۱۳۸۸). قصه‌های محمد حسن. نشر براق.

- خداجو، فروزنده (۱۳۷۹). سرزمین ما ایران، داستان‌هایی از جغرافیا. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- خلیلی، عظیم، (۱۳۷۹). ماهیگیر و دریا. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴). باورهای عامیانه مردم ایران: چاپ سوم. تهران: نشر چشمه
- راستی، مجید، (۱۳۸۸). ماجراهای علی کوچولو. گروه سنی ج. چاپ اول. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رهگذر، رضا (۱۳۷۷). جایزه: چاپ دهم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- زاهدی نامقی، حسین (۱۳۹۰). ماهک و پرنده‌ها. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سپهر، محمدهمايون (۱۳۸۵) آجیل در فرهنگ ایرانی، مجله نجوای فرهنگ، شماره ۲. صص ۲۱-۳۰
- سلامت، شیوا، (۱۳۹۱). قصه‌های زندگی ۶ (هنوز یک خانه مانده). انتشارات موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- شاملو، احمد، (۱۳۷۷). کوچه. چاپ اول. تهران: مازیار.
- شعبان نژاد، افسانه (۱۳۷۷). دختر کدو تنبل. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- ضرابی زاده، بهناز، (۱۳۸۹). مرغ شل. تهران: انتشارات سوره مهر.
- طاق‌دیس، سوسن (۱۳۸۶). یکی بود: چاپ اول. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- طیبسی، محمدجواد، (۱۳۷۶). حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت. چاپ دوم. قم: تبلیغات اسلامی قم.
- عرفانی بیضایی، محمد جواد؛ رحیمی، محسن (۱۳۹۴). بررسی نظام باورها در قصه‌های عامیانه-ی طبقه بندی شده‌ی ایرانی. مطالعات ادبیات کودک. شماره ۱۲.
- فراست، قاسمعلی (۱۳۷۹). افطار. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- فیاضی، محمد انور، (۱۳۸۶) امام علی علیه السلام و احتجاج به حدیث غدیر، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱۵.
- قوجقی، یوسف (۱۳۸۹). اسب پرنده. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

- کازنو، ژان، (۱۳۴۹). مردم شناسی. ترجمه شیبانی، ثریا. تهران: انتشارات دانشگاه.
- کاظم زاده، کامران (۱۳۷۶). یک شیشه گلاب. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ماهوتی، مهری، (۱۳۷۵). گردنبند. انتشارات پیام آزادی.
- مجتهد، مهدی (۱۳۷۶). آخرین منجوق. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۶۹) حلیة المتقین، ناشر: لقمان.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴) بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء؛ ج ۷۹؛ ص ۱۰۶
- معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ لغت، تهران. زرین
- میرکیانی، محمد (۱۳۸۴). بچه های کوچ (۱) تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ----، (۱۳۸۴). بچه های کوچ (۲). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ----، (۱۳۸۴). بچه های کوچ (۳). تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ----، (۱۳۷۶). پاپر. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- نوایی لوسانی، حمید (۱۳۹۱). جنگ جهانی سوم. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- یوسفی، محمدرضا (۱۳۹۲). قالیچه بنه گلی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- یونگ، کارل گوستاو و هندیسن، (۱۳۸۶). انسان واسطوره هایش. مترجم حسن اکبریان طبری.

نشر دایره

 [10.22034/rjcis.2025.11825](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11825)

 [10.22034/rjcis.2025.11825](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11825)

 [10.22034/rjcis.2025.11825](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11825)